



راوی شوخ طبع دردها

اهالی فرهنگ و رسانه
از یک عمر فعالیت احمد عربانی گفتند



گزارش بین الملل ۸-۹

بازگشت رفیق پوتین از آستانه مرگ

درباره ترور رابرت فیتسو نخست‌وزیر اسلواکی
وریشه‌ها و پیامدهای آن



تابستانی گرم‌تر از همیشه

گفت‌وگو با صادق ضیاییان
رئیس مرکز پیش‌بینی و مدیریت بحران هواشناسی



نخل طرد شده‌ها

بررسی برگزیدگان جشنواره کن هفتاد و هفتم که بر خلاف انتظار بی‌حاشیه بود

گزارش سیاست ۴-۵

واکوی آماری و مقایسه‌ای
اطلاعات جدید
پیمایش ارزش‌ها
و نگرش‌های ایرانیان

افول گروه‌های مرجع سیاسی

سرمقاله

سیاست سهل و ممتنع

شاید هیچ موضوعی به اندازه سیاست و نظر دادن در آن ساده نیست. کمتر کسی یافت می‌شود که به‌طور صریح یا ضمنی درباره سیاست، آن هم قاطعانه اظهار نظر نکند. از سوی دیگر، شاید کمتر موضوعی به پیچیدگی سیاست روزمره ما باشد؛ به‌ویژه در جامعه‌ای چون ایران. زیرا در مقایسه با تأثیر عوامل نهادی بر تحولات سیاسی که از پایداری بیشتری برخوردارند در ایران تأثیر عوامل فردی بیش از جوامع متعارف است و شناخت روان‌رویات افراد در تصمیم‌گیری سخت است. به همین دلیل است که بیشترین خطاهای تاریخی ما در حوزه سیاست رخ داده است. یکی از علل ناپایداری پدیده سیاست در ضعف نهادها و مراجع سیاسی است. از جمله احزاب است. اکنون که در آستانه انتخابات پیش‌بینی نشده و جدیدی هستیم، اثرات زیان‌بار فقدان این نهادها و مرجعیت سیاسی که نتیجه نابودی مرجعیت مدنی سیاسی در جامعه است را آشکارا مشاهده می‌کنیم. گزارش امروز صفحات سیاسی «هم‌میهن» درباره این مسئله است. پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در پژوهشگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال گذشته انجام شد نشان می‌دهد که ۵۸ درصد مردم خانواده را به‌عنوان مرجعیت سیاسی و اجتماعی خود معرفی کرده‌اند و گروه‌های ثانویه به‌ویژه مراجع سیاسی در صدهای بسیار اندکی را به خود اختصاص داده‌اند. معنا و نتیجه این وضعیت چیست؟ در یک کلام خطر تزلزل و ناپایداری. این یعنی نهادها و مدنی عرصه عمومی که باید محل تبادل آرای سیاسی باشند از میدان خارج شده‌اند و خانواده که کارکرد دیگری دارد و اصولاً نباید مرجعیت سیاسی داشته باشد، جانشین آنها شده و با فاصله بسیار زیاد مرجعیت سیاسی هم پیدا کرده است. این، یعنی خارج شدن ریل سیاست از فضای عمومی و سپردن آن به کنج مناسبات خانوادگی و درون چار دیواری آن است. این، یعنی خروج سیاست از عقلانیت ابزاری و ارجاع آن به مناسبات خانوادگی و در ابعاد بزرگتر فامیلی و قومی و قبیله‌ای. در حقیقت، رویکردی که دنبال تضعیف نهادها و مدنی است و آن را موی دماغ قدرت خود می‌بیند، توجه ندارد که در زمان مقتضی که نیاز به کمک جامعه دارند، نمی‌توانند روی حمایت خانواده‌ها حساب باز کنند؛ زیرا مناسبات خانوادگی و شناخت سیاسی آنها متفاوت از مناسبات و کارکردهای حزبی و سیاسی است و از جنس دیگری است که به کار جبران ضعف‌های حکومت نخواهد آمد. وضعیت پیش‌بینی ناپذیری سیاست در ایران نیز تا حد زیادی محصول ضعف مرجعیت‌های سیاسی است. زیرا افکار و تصمیمات مراجع غیرسیاسی پراکنده و ناپایدار است و ثبات و قوام کافی برای سیاست ایجاد نمی‌کند.

بررسی سناریوهای ۵۰ روز پراشتهاب همزمان با صدور دستور وزیر کشور

زنگ آغاز انتخابات به صدا درآمد



مهرداد خدیو
معاون سردبیر

با نامه / فرمان وزیر کشور به استانداران و فرمانداران سراسر کشور زنگ انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران به صدا درآمد. با اینکه ۴ رئیس جمهوری (آیت‌الله خامنه‌ای، هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی) ۸ سال عهده‌دار این سمت بوده‌اند همین عدد ۱۴ نشان می‌دهد که در سه مورد دیگر سه رئیس جمهوری دوره را به پایان نرسانده برکنار شده یا از دنیا رفته‌اند و این سرنوشت اولین، دومین و هشتمین رئیس جمهوری ایران است. (ابوالحسن بنی‌صدر، محمدعلی رجایی و سیدابراهیم رئیسی) و دو مورد اخیر هر چند از حیث تروریستی بودن اولی و سانحه بودن دومی متفاوتند ولی به لحاظ نوع مرگ که به شدت دردناک و توأم با سوختگی بدن بوده و در اولی رئیس جمهوری و نخست‌وزیر با هم قربانی شده‌اند و در دومی رئیس‌جمهوری جان باخته که بعد از تغییرات قانون اساسی با ریاست دولت نقش نخست‌وزیر را نیز ایفا می‌کند شبیه هم هستند. (دوره ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای هم عملاً به خاطر انتخاب به رهبری چند ماه زودتر به پایان رسید اما چون انتخابات ریاست جمهوری براساس قانون اساسی تغییر یافته و هم‌زمان با برگزاری همه‌پرسی برای قانون اساسی جدید برگزار شد عنوان انتخابات زودهنگام به این فقره بار نمی‌شود). سخن از تشبیه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ به ۸ شهریور ۱۳۶۰ و رئیس‌جمهوری به رجایی شد و طی ۶ روز گذشته نیز مهم‌ترین محور تبلیغی صداوسیما همین تشبیه‌سازی بوده و به همین خاطر جدای تصاویر رجایی و باهنر سرود مناسبتی‌ای که آقای گلریز خواننده در سال ۶۰ خوانده بارها و بارها از شبکه‌های مختلف صداوسیما پخش شده و می‌شود؛ راه را جا بسته نیست، گر چه رجایی برقت / بی‌هنران را بگو گنج هنر زان ماست / گر چه ز ملک هنر باهنری می‌رود...

بافرمان شروع انتخابات اما فضای تمام عاطفی به مرور سیاسی و اسامی نامزدهای مختلف مطرح می‌شود. جدی‌ترین گزینه‌ها تاکنون سعید جلیلی و علیرضا زاکانی و مهرداد بذریاش است و این یعنی جبهه‌پایداری ملاحظاتی و رودریاستی‌های گذشته را ندارد و آمده دولت را در دست بگیرد و به جای چانه‌زنی برای به‌دست آوردن ریاست مجلس که تعداد کسانی که می‌تواند مستقیماً منصوب کند از شمار انگشتان دو دست فراتر نمی‌رود سراغ ریاست جمهوری بروند که با همه محدودیت‌ها امکانات اجرایی و مالی فراوان در اختیار دارد. حضور نیروهای رادیکال به میانه‌روها چه در بین اصول‌گرایان و چه اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان این امکان را می‌دهد که چنانچه از غربال شورای نگهبان گذشتند به جامعه هشدار دهند که با توجه به احتمال بازگشت دونالد ترامپ که از حالا گفته دوباره فروش نفت ایران را از یک میلیون بشکه در روز به ۳۰۰ هزار می‌رساند از قهر و بی‌اعتنایی نصیبی نخواهد بُرد. در طیف اصلاح‌طلب هم نام‌های مسعود پزشکیان و سیدمحمد صدر یا محمدرضا عارف و اسحاق جهانگیری شنیده می‌شود و البته پرنرنگ‌تر از همه که ذیل اصول‌گرای میانه با اعتدال‌گرا قابل تعریف است، علی لاریجانی است که به‌رغم سه دوره ریاست مجلس شورای اسلامی مجوز شرکت در انتخابات ۱۴۰۰ را دریافت نکرد. با این همه و هر چند وزیر کشور دستور شروع انتخابات را صادر کرده اما می‌دانیم که نقش وزارتخانه متبوع او در امر انتخابات به معاونت اجرایی شورای نگهبان فروکاسته شده و مادام که اسامی از صافی این شورا نگذشته نمی‌توان آرایش انتخاباتی را ترسیم کرد چرا که رفتار شورای نگهبان دوره به دوره تغییر می‌کند. کافی است به یاد آوریم سه رئیس جمهوری سابق را در سه انتخابات درصالحیت کرده است؛ هر چند مورد اخیر نه انتخابات ریاست جمهوری که مربوط به مجلس خبرگان رهبری بود.

خط انتخابات
۲-۳

عباس عبدی:
شانس پیروزی
اصلاح‌طلبان بالاست

سران اصلاحات
در پی آوردن
سیدمحمد صدر

نامزدی سعید جلیلی
قطعی شد

پزشکیان آخر هفته
نصمیم می‌گیرد

تردیدهای
علی لاریجانی
برای آمدن

بحث‌های انتخاباتی
در شورای شهر
بالا گرفت



رگ عرب سوریه

تأملی دوباره در روابط تهران و دمشق
در پی حضور بشار اسد در نشست اتحادیه عرب



گزارش
دیپلماسی
۶-۷